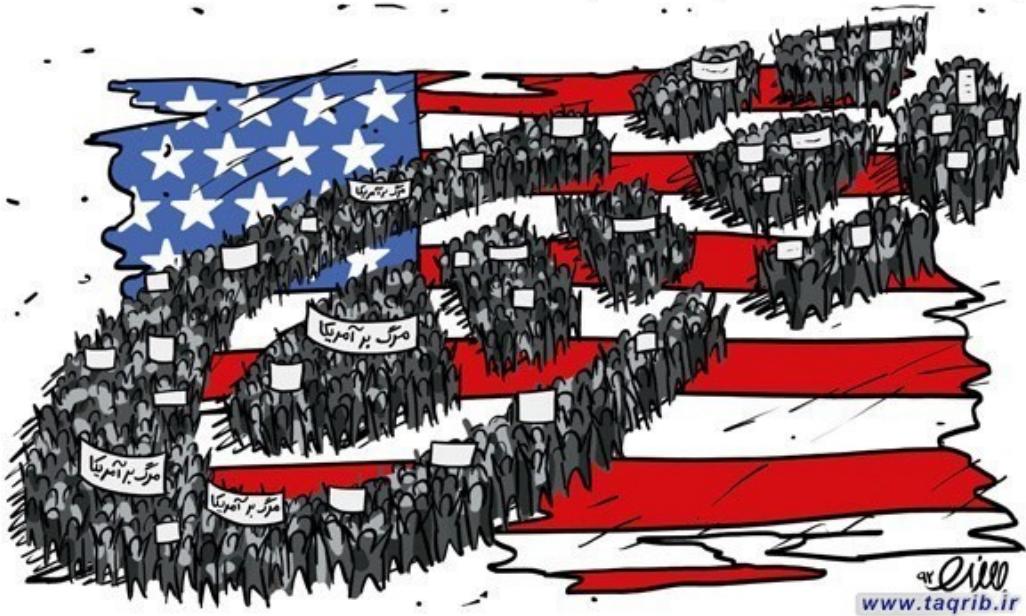


استکبار از نگاه امام خمینی(ره)



قدرت ا□ عفتی

استکبار از ریشه کبر، در لغت به معنای خود بزرگ پنداری، برتری جویی، عدم پذیرش حقیقت و گردن کش در مقابل واقعیت آمده است. (لسان العرب، ج 12 / 13؛ لغتنامه دهخدا، ج 2 / 1843؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین ج 2 / 1685)

این صفت برای انسان ناپسند است، در قرآن صفت برتری و بزرگی برای خداوند آمده است: "هُوَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَهْلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَمَّدُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ". (حشر / 23)

اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمان نروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان، عزیز، جبار [و] متکبر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند.

حضرت علی (ع) فرمود: الحمد لله الذي لبس العزّ و الكرياء و اختارهما لنفسه دون خلقه. (نهج البلاغه، خطبه القاصعه / 192)

ستا يش خداوندي را که عزت و كبريا يي را فقط برای خودش قرار داده است و کسی شايسته آن نیست.

اين صفت فقط برای خداوند، حقیقت و پسندیده است. و برای غير خداوند صفتی غیر واقعی و ناپسند است.

صفات کبیر، تکبر و استکبار اگر برای انسان باشند هر سه مورده دارای یک مفهوم می‌شود. که دارنده این صفت، به جای اصلت خداوند، خود را قرار می‌دهد، امام خمینی می‌فرماید: مستکبر از روی غرور و کبر در مقابل فرمان الهی استکبار می‌ورزد و سرکشی می‌کند؛ صفت استکبار در مقابل صفت استسلام به معنای فروتنی در برابر خداوند است. (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 398)

فرد مستکبر بخاطر غرورش در مقابل حقیقت قرار می‌گیرد، غرور، بدترین نوع صفات است چون تمام راههای منتهی به واقعیت را می‌بندد و انسان را بسوی ضلالت می‌کشاند. (تفسیر نمونه، ج 11، ص 194) شیطان که سر سلسله مستکبران است به دلیل همین صفت استکباریش بود که از فرمان الهی برای سجده بر آدم، سر باز زده است. (اعراف / 11 - 13)

اين عمل(صفت) شیطان در ظاهر مخالفت با فرمان الهی بود، ولی در باطن عجب و استکبارش بود که در مقابل فرمان الهی ايستاد، همین صفت استکباری شیطان موجب طردش از درگاه الهی شد؛ باید بدانيم که شیطان خصوصیتی ندارد، هر کس اين صفت را داشته باشد مطرود می‌گردد. (آداب الصلاة، 206 و 235)

علت پیدا يش استکبار

کسی که در درونش منکر حقیقت باشد، مستکبر است هر چند که به زبان نیاورد. قرآن می‌فرماید: "فَاللَّهُ ذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِمَا لَأَخْرَهُ قُلُّهُمْ مُنْذُكِرَهُ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ". (حل / 22)

کسانی که به آخرت ايمان ندارند، دلها يشان انکارکننده حقیقت است و خودشان مستکبرند.

فرد مستکبر نسبت به ديگران خود پسندی می‌کند و اين خودپسندی و غرور عامل پیدا يش استکبار در او

است. در واقع استکبار، بیماری غرور و برتری جویی است که در خارج به صورت طفیان و به استضعاف کشاندن دیگران بروز می‌کند. مستکبر دیگران را به فقر می‌کشاند تا از فقر آنها به نفع خود بهره‌گیرد، یعنی استکبار از جهل و فقر دیگران بوجود می‌آید و از همین جهل و فقر مردم ارتزاق می‌کند، تا جایی که مستکبر، خود را در این مسیر گم می‌کند و از آن پس شعورش را در خدمت شهوتش قرار می‌دهد و خداوند را فراموش می‌کند؛ و از هوای نفسش پیروی می‌کند که سبب زایش ملکه استکبار در درون جانش می‌گردد؛ این فرد علی رغم شایستگی‌ها و ارزش‌های والایی که می‌تواند داشته باشد، به ضد خداوند و دشمن بشر مبدل می‌گردد؛ برای همین است که اساس دعوت انبیاء عبودیت حق یعنی مبارزه با ریشه استکبار است. (خاتمی، مطبوعات ایران 1343 - 1353، ص 93، 80 و 81)

استکبار فردی

وقتی صفت استکبار در درون جان انسان بوجود آمد و ملکه وجودش شد، به دو نوع ظهور و بروز پیدا می‌کند، یک نوع آن باطنی و خُلقی است که در نفس انسان ریشه می‌دواند و بینش انسان را شکل می‌دهد، این فرد دیگر حقیقت را نمی‌پذیرد و کسی که حقیقت را نمی‌پذیرد استکبار باطنی و اخلاقی دارد. قرآن می‌فرماید: "ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثِرُ". (مدثر / 24 و 23)

آنگاه پشت گردانید و تکبّر ورزید، و گفت: «این [قرآن] جز سحری که [به برخی] آموخته [آن] نیست. نوع دوم استکبار فرد، استکبار در خارج از خودش است، کسی که روحانی استکبار می‌ورزد در خارج نیز استکبار می‌کند و مردم را به استضعاف می‌کشاند. (مجموعه آثار شهید مطهری، فلسفه تاریخ در قرآن، ص 911 و 912) در واقع نوع دوم استکبار در کردار و رفتار مستکبر ظاهر می‌شود و منش مستکبر را شکل می‌دهد. (محجه البيضاء، ج 6، ص 228 / احیاء العلوم الدین، ج 3، ص 500 / خاتمی، مطبوعات ایران 1343 - 1353 ص 63) کسی که تمام ظاهر و باطنش را صفت استکبار فرا بگیرد، او خود و خداش را فراموش می‌کند، قرآن می‌فرماید: "وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ وَأَنْسَاهُمْ أَزْفَسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ". (حشر / 19)

کسانی هستند که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان همان فاسقان هستند.

امام خمینی می‌فرماید: افراد مستکبر از شنیدن آیات الهی دوری می‌کنند لذا استکبارشان روز افزون

می شود. (آداب الصلاة، ص 201) و به خصلت های منفی کشیده می شود تا جایی که دست به جنایت علیه دیگران می زندند. بفرموده قرآن اینها با وجود داشتن چشم، گوش و قلب، نمی بینند، نمی شنوند و نمی فهمند و از حیوان پست تر می شوند: " لَّهُمْ قُلْ تُوبْ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَّهُمْ أَعْيُنْ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَّهُمْ آذانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَمَا لَا زَعْمَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَاوِلُونَ". (اعراف / 179)

آنها بی که قلب دارند ولی با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند، و گوشها بی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند حیوان هستند بلکه گمراه هستند. آنها همان غافل همانندگانند.

امام خمینی می فرمود: آنها که بر استکبار شان عناد دارند شقی هستند و آنها که علاوه بر عناد برای ابطال حق دلیل می آورند و اشکال تأسیس می کنند کل شقاوت هستند که در مقابل سعادت عقلی است. (تقریرات فلسفه، ج 3، ص 478 و 481) انبیاء علیهم السلام آمدند تا با استکبار درون و آثار و لوازمش، یعنی استکبار حقیقی بیرون مبارزه کنند تا انسان را از شقاوت به سعادت هر دو جهان برسانند و این همان جهاد اکبر است.

استکبار اجتماعی

هما نگونه که استکبار فردی از درون جان انسان بر می خیزد، استکبار اجتماعی از درون جامعه بر می خیزد. استکبار اجتماعی نیز به دو نوع در اجتماع بروز می کند؛ یک نوعش استکبار اقتصادی است که نمونه قرآنی اش قارون است: " إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمٍ مُّوسَى فَبَدَاغِلَ عَلَيْهِمْ وَ آتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنْدُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَدَنُّوْأُ بِمَا لَعُصِّبَهُ أُولَئِي الْقُوَّهِ". (قصص / 76)

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد، و از گنجینه ها آنقدر به او داده بودیم که حمل کلید های آنها بر مردان نیرومندی سنگین بود.

نوع دوم آن استکبار سیاسی - اجتماعی است که نمونه قرآنی اش فرعون است: " إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالِمٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ". (یونس / 83)

در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری گجوی و از اسراف کاران بود.

در این عصر نیز، هر دو نوع استکبار وجود دارد. الان نیز عده‌ای با شعار رفاه و آسایش که جنبه اقتصادی دارد، وارد اجتماع می‌شوند و مردم فقیر را با وعده زندگی راحت تر، با خود همراه می‌کنند. این افراد با پیروی از هوای نفس خویش، به قانون اقتصادی کشور تجاوز می‌کنند و دیگران را به انزوای اقتصادی و استضعاف می‌کشانند که بازترین نمونه امروزی آن شرکت‌های هرمی است.

نوع دوم استکبار اجتماعی حاکمان مستبد هستند. آنها یعنی که با تجاوز به قانون سیاسی - اجتماعی کشور، دیگران را به انزوا می‌کشانند و مستبدانه بر جامعه حاکم می‌شوند. نمونه باز امروزی آن، حاکمیت‌ها یعنی است که با کودتا حکومت را در دست می‌گیرند.

با این وجود استکبار اقتصادی و سیاسی- اجتماعی زاییده گردن کش و قانون شکنی است. منطق این مستکبرین، تکبر بر دیگران است، و ضعف قانون و حاکمیت علت اصلی توسعه این دو نوع استکبار در اجتماع است. (مستضعفین و مستکبرین از دیدگاه قرآن و عترت، ص 125 و 128)

کسی که با گردن کش و تجاوزگری مأمور شد، خود و خدا یش را فراموش می‌کند و خود را حقیقت می‌پندارد و خود را برتر از دیگران می‌بیند، لذا علم ، قدرت ، مکنت و... را برای خودش می‌داند و با ایجاد نظام‌های اقتصادی، سیاسی - اجتماعی مستکبرانه دیگران را به استضعاف می‌کشاند. امام خمینی می‌فرمود رژیم پهلوی، نماد استکبار بود که به ملت تعذر و تجاوز می‌کرد. (صحیفه امام، ج 7 ، ص 489) تا اینکه مردم با انقلاب او را بیرون کردند.

این پایان حضور استکبار نبوده و نیست، استکبار هرگز هیچ جامعه‌ای را راحت نخواهد گذاشت. جامعه ما نیز مستثنی نیست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مستبدان و مستکبران همراه با هواپرستان و قدرت طلبان، با شعارهای انقلابی و اسلامی وارد میدان شدند تا با تکیه بر ظاهر دین و عوام فریبی در بین مردم مقبولیت بیابند و مردم را که قدرت اصلی انقلاب هستند با خود همراه کنند؛ آنها چنان رفتار می‌کنند که مخالفین آنها، مخالف اسلام و انقلاب دانسته شود تا بتوانند با تکیه بر مردم، بار دیگر به قدرت برسند. امام خمینی در هشداری به ملت ایران فرمود آنها یعنی که تا دیروز مبارزه با شاه را حرام کرده بودند، حالا انقلابی‌تر از انقلابیون شدند و ندای وا اسلاما سرداده اند. (همان، ج 21 ، ص 281)

اینها نه درد دین دارند و نه قصد خدمت به مردم، بلکه فقط برای رسیدن به قدرت، از راه دین وارد می شوند تا به مقصد خودشان برسند.

استکبار بین المللی

استکبار جهانی، زمانی شکل گرفت که کشورهای صنعتی برای دست یابی به منابع مورد نیاز خود و فروش کالاهای تولیدیشان، با اسم پیشرفت و آبادانی وارد کشورهای غیرصنعتی در آسیا و آفریقا شدند و با برتری جویی و خودپسندی خویش به فکر تسلط بر منابع فراون آن کشورها افتادند. آنها از ضعف و جاه طلبی حاکمان کشورهای فقیر استفاده کرده، به استثمار آن کشورها دست زدند و آنها را به استضعاف کشاندند و با اسم نوسازی، هویت، تاریخ و فرهنگ ملت‌ها را به نابودی سوق دادند. امام خمینی در این باره می‌فرمود در این صد سال اخیر که پای کشورهای بزرگ جهان خوار بر کشورهای اسلامی کوچک باز شد، حاکمان کشورهای اسلامی در فکر ملت‌شان نبودند، اگر کاری کردند برای منافع خود و مرغهین جامعه کردند، آنها همراه با استکبار جهانی دست به چپاول کشور زده بودند. (همان، ج 21، ص 448) ایشان می‌فرمود در واقع استکبار از راه بی‌توجهی حاکمان و منصوبان آنها بر مصالح کشور حاکم شدند و در ایران با دستان رژیم پهلوی بر ما حاکم شدند. (همان، ج 17، ص 304) ابن خلدون می‌نویسد: کشوری که مستعمره استکبار شد و به کشور استکباری متکی گردید، عملاً ابزاری برای استکبار شده و به ذالت کشیده می‌شود. (مقدمه ابن خلدون، ج 1، ص 283) در این عصر چپاول استکبار بین المللی، هر روز به شکل جدیدی در می‌آید؛ ملت‌ها باید بیدار شوند تا با انقلاب، استبداد و استعمار را بیرون کنند، البته باید بدانیم که استکبار خیلی موزیانه عمل می‌کند او با اسم‌های مختلف ملت‌ها را مطالعه می‌کند تا همیشه، قبل از حرکت ملت‌ها سیستم استکباری خود را نوسازی کند.

زمانی که ملت‌ها بیدار می‌شوند، استکبار، با استعمار نو، یعنی با سیستم‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و بین المللی که در اختیار دارد و براساس همین سیستم‌ها نبض زندگی اجتماعی بشر امروزی تعریف شده است، وارد عمل می‌شود تا ملت‌ها را در درون و بیرون مرزها به بند کشاند. هر چند که استکبار بین المللی ذاتاً جهانی و جهانخواری است اما توسعه دامنه سلطه و وابستگی به او، بستگی به میزان قدرت و اقتدارش دارد که با تکیه بر نیروهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با زرادخانه‌های هسته ای و تکنولوژیهایی که در خدمت گرفته، همه نوع سلطه استکباری را فراهم می‌کند. (خاتمی، مطبوعات ایران 1343 - 1353، ص 72 و 73) در این زمینه یعنی استعمار نوین، کشور عزیز ما مستثنی نیست؛ امام خمینی می‌فرمود: استکبار از همه کمین‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی حمله می‌کند. (صحیفه امام، ج 21، ص 89) باید همیشه و همه جا هوشیار باشیم و تکنیک‌هایمان را بروز کنیم تا بتوانیم در مقابل

باید بدانیم که جدیدترین نوع استکبار، برای چپاول ملتها، استکبار فرهنگی است. و این استکبار زمانی شکل گرفت که ملت های در تحت ستم استکبار، برای رهایی از چنگال استکبار، به سوی فرهنگ و مکتب خویش روی آوردند. در همین زمان استکبار جهانی با معنای کلاسیکش (توسعه قدرت) وارد میدان شد. او برای بقای خود مکتب های را ایجاد و به جامعه عرضه کرد تا مردم را از درون تھی کند؛ انسان تھی شده راحت تر خود را گم می کند و از منشأ خود بیگانه می شود و با دور افتادن از حقیقت خویش، در باطل غرق می گردد. در واقع استکبار در این دوره، برای تداوم حیاتش، خود را به شکل نظام فکری و ارزشی بر بشریت تحمیل نمود، با این برنامه تصرف آب، خاک و هوا مطرح نیست، بلکه تصرف منابع و سرمایه های معنوی مطرح هست. (مطبوعات ایران 1343 - 1353، ص 66، 73 و 74، و نقش امام در مبارزه با استکبار، ص 38)

استکبار فرهنگی به آب و خاک حمله نمی کند، او به فرهنگ جامعه که هویت مردم است حمله می کند، و با خواب مصنوعی برای ملت ها، سلطه استکباریش را با دست مردم همان کشورها پهن می کند، یعنی بواسیله تزریق فرهنگ خود، وابستگی فرهنگی را ایجاد می کند. امام خمینی در مورد این نوع وابستگی می فرمود وابستگی فرهنگی که بزرگ ترین وابستگی و سر جسمه همه وابستگی ها است را بر مردم تحمیل می کند. (صحیفه امام، ج 10، ص 79) ملت ها باید با دقت، حیله و فریب استکبار را بشناسند و آن را خنثی کنند. (همان، ج 21، ص 121) یعنی همان کاری که انبیاء برایش مبعوث شدند را انجام بدند. آنها آمدند تا استعدادها را شکوفا کنند، تا مستضعفین را از تحت سلطه استکبار بیرون آورند. (همان، ج 17، ص 527) امروزه بزرگترین سلطه، سلطه فرهنگی است که باید تلاش کرد از تحت این سلطه خارج شد، برای رهایی از این سلطه باید به فرهنگ خود بازگشت تا با احیای هویت فرهنگی خود از چنگال استکبار خلاص شد.

نقشه استکبار برای رسیدن به مقصدش، در هر جامعه ای، این است که فرهیختگان بر جسته اش را کنار می زند تا دانش آموختگان فرهنگی و پرورش یافته گان مکتبش را بر اجتماع مسلط کند. (مقدمه این خلدون، ج 1، ص 355) امام خمینی در این باره می فرمود برای شکست انقلاب اسلامی ایران، از راه مقدس نماهای حوزه و دانشگاه وارد شدند تا با تزویر آنها، محتوای اسلام را از درون نا بود کنند. (صحیفه امام، ج 21، ص 87) از روحانیون انقلابی و مبارز شکست خورده اند، از روحانی نماهایی که تا حد مرجعیت تقویتشان نموده اند استفاده می کنند. چون تمام ترس استکبار، از عملی شدن فقه و اجتهد راستین اسلام است. (همان، ص 287 و 289)

استکبار بین المللی علاوه بر تسلط فیزیکی، با مبانی فلسفی خود، مکاتبی برای زندگی اجتماعی ایجاد نمود و به آن، نظام فکری و ارزشی بخشد و در سراسر دنیا فعالانه حضور یافت، و همه دنیا را با رنگ و لعاب زندگی و رفاه ساختگی به منجلابی فقر کشانده تا خودش به رفاه برسد. برای مبارزه با این دشمن جهانی باید با اندیشه‌ای جهانی مسلح شد.

اسلام دینی جهانی با زبان فطرت بشری است: "فَمَا قَرِمْ وَجْهَكَ لِيَلْدَيْنِ حَنِيفَاً فِطْرَتَ اللَّهَمَ اللَّهَتِي فَطَرَ اللَّهَسَ عَلَيْهِمْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهَمَ ذلِكَ الدِّينُ الْقَمَبِرْمُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ اللَّهَسَ لَا يَعْلَمُونَ" (روم / 30)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق^۱، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشت آفریده است. آفرینش خدای تغییر ناپذیر است. این همان دین پایدار است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

اسلام دینی است که برای زندگی آمده است. (ولایت فقیه، ص 11 و 10) همه برتری‌ها در اسلام وجود دارد، ولی تنها داشتن برتری‌ها کافی نیست، دین برتر باشد توسط رهبر قوی به صورت کامل و جامع معرفت گردد، و مبارزاتش با استکبار دارای بار فرهنگی و ارزشی گردد. و مسیر مبارزه، برای حاکمیت فضیلت انسان تبیین شود، تا پیروانش در مقابل استکبار بین المللی باشند.

انبیاء الهی برای دست یا بی به مبارزه ای با این وسعت، اول مبارزه با استکبار درون، یعنی جهاد با نفس که ریشه استکبار است را انجام می‌دادند و بعد به لوازم و آثار استکبار نفس که همان استکبار اجتماعی و جهانی است می‌پرداختند. امام خمینی می‌فرمود: انبیاء آمدند تا بشر را از اسارت نفس نجات دهند. (صحیفه امام، ج 17، ص 527) تمام جهادهای دنیا تابع همین جهاد است. (تفسیر سوره حمد، ص 123) وقتی انسان در مبارزه با استکبار درون پیروز شد می‌تواند خود را از اسارت ستمگران نجات دهد. (صحیفه امام، ج 17 ،ص 527) هدف تمام انبیاء، مبارزه و ریشه کن نمودن استکبار بود. (همان، ج 15، ص 507)

امام خمینی با این اندیشه، به وسیله قاعده نفی سبیل: "لَئَنْ يَأْجُعَلَ اللَّهَمَ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً" (نساء / 141) (خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلاط])

قرار نداده است) تمام مظاہر استکبار را نفی نمود (كتاب البيع، ج2، ص 720 - 721) و با آن به مبارزه برخاسته است.

اولین سند مبارزات سیاسی و تاریخی در صحیفه امام، علیه استکبار اجتماعی و بین المللی، پیام دعوت قیام برای خدا است که در 15 اردیبهشت 1323 شمسی آن را صادر نمودند و در این پیام، قیام برای خدا را، تنها راه اصلاح هر دو جهان دانسته اند، و قیام انبیاء علیهم السلام را در همین مسیر خواندند و مردم را برای قطع دست اجانب از این مملکت به قیام در راه خدا دعوت نمودند. (صحیفه امام، ج 1، ص 21 - 23) این مبارزات سیاسی- اجتماعی امام خمینی، در سال 1341 با اعتراض به «مصطفیه انجمان های ایالتی و ولایتی»، به صورت گسترده ادامه یافت و مردم را به میدان مبارزه کشاند. (همان، ص 78) و این مبارزه سیاسی - اجتماعی در مسأله لایحه «کاپیتولاسیون» به مبارزه با استبداد داخلی و استکبار بین المللی تبدیل شد و اوج گرفت (همان، ص 416 - 415) که در نتیجه استبداد داخلی با پشتیبانی استکبار خارجی، ایشان را به خارج از کشور تبعید نمودند. ایشان در تبعیدگاهش (نجف اشرف) به مبارزاتش علیه استکبار وسعت بخشید. (همان، ج 2، ص 322) امام خمینی که دوران تبعید از عراق اخراج شد و به فرانسه رفت، برنامه مبارزاتی اش را تا قطع دست استکبار از کشور اعلام نمود. (همان، ج 4، ص 432) و هرگز از اهداف اصلی قیام عدول نکرد. ایشان برای رسیدن به حکومت جمهوری اسلامی، برای اجرای فرامین اسلام در جامعه، مبارزه با استبداد داخلی و استکبار بین المللی را هدف قرار داده بود. (همان، ج 5، ص 476) امام در این مسیر با ایمان راسخ الهی ایستاد تا پیروز شد و حکومت جمهوری اسلامی ایران را، بدون یک حرف زیادتر و یا کمتر. (همان، ج 6، ص 324) تشکیل داد.

بر اساس همین اندیشه جهانی اسلام و تبیین فرا منطقه ای امام خمینی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سعادت تمام انسانها آرمان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، لذا مبارزه هر ملتی در سراسر دنیا مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / اصل 154) و بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران قاطع ترین و جدی ترین دشمن سلطه استکبار در جهان شد. (چهار سال با مردم، ص 140)

استکبار جهانی علاوه بر راه اندازی جنگ هشت ساله و محاصره اقتصادی ایران، از راه تبلیغات وسیع با تمام توان وارد جنگ فرهنگی و تبلیغاتی با انقلاب اسلامی ایران شد. (چهار سال با مردم، ص 44) و انقلاب اسلامی ایران برای ایستادگی در مقابل تمام استکبار بین المللی، بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص)، به مبارزاتش بار فلسفی و ارزشی داد، در واقع امام خمینی با ایجاد فرهنگ جهاد و مبارزه اسلامی و با تشکیل بسیج عمومی بر ضد استکبار جهانی برخاست و این مبارزه اسلامی، تا قطع طمع استکبار از کل

کشور را عبادات الهی خواند. (صحیفه امام، ج 19، ص 105) و اتحاد ملل اسلامی در مقابل استکبار جهانی را طرح نمود. (همان، ص 58، 61) و مردم را سفارش می نمود که هرگز سلاح مبارزه با استکبار را بر زمین نگذارند. (همان، ج 20، ص 38)

استکبار ما نند همیشه، با تمام توان، تلاش می کرد تا از هر راهی، در بین مردم تفرقه ایجاد کند، و امام خمینی با هشدار های لازم و به موقع، مردم را از نقشه تفرقه انگیزانه آنها مطلع می کرد. (همان، ج 17، ص 326) و قدرت نظامی و سیاسی استکبار جهانی را مانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختن می خواند. (همان، ج 20، ص 319) و می فرمود هیچ وحشتی از شرق و غرب نداشته باشید و هرگز با آنها سازش نکنید و هر مقام مسئولی خواست با آنها سازش کند، بدون هیچ ملاحظه‌ای کنارش بگذارید، سازش با استکبار خیانت به اسلام و مسلمین است. (همان، ج 12، ص 148)

امام خمینی دامنه مبارزات عملی ایرانیان با استکبار جهانی را با برنامه برائت از مشرکین در ایام حج، به خارج از مرزهای ایران کشاند و آن را تظاهرات علیه استکبار جهانی می خواند. (همان، ج 21، ص 22) در این تظاهرات مسلمانان کشورهای دیگر شرکت می کردند و یا حداقل نظاره‌گر آن بودند و جرئت مبارزه علیه استکبار را می دیدند. در واقع امام خمینی با این اقدام، استکبار جهانی را در صف مقابله مسلمین جهان بلکه مستضعفان عالم، در گنگره بزرگ حج قرار داد. در مورد برائت از مشرکین در همان زمان حیات امام خمینی، عده ای فکر می کردند که برائت از مشرکین در گنگره حج فائدہ ای ندارد و می گفتند: در آن کشورها آزادی بیشتر از اینها وجود دارد که با کشتار حجاج خلاف تفکرشان ثابت شده است. (همان، ص 83 و 84) در واقع، کشتار حجاج در حال برائت از مشرکان برای حفظ سیاست های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی(هـ) بوده است. (همان، ص 80)

در نهایت، مبتکر و رهبر بزرگترین انقلاب قرن بیستم، امام خمینی، همه مبارزاتش را از عنایت الهی و همت محرومان می دانست. (همان، ج 19، ص 455؛ و ج 17 ص 247)

و خداوند نیز طبق وعده الهی‌اش: "بِأَيْمَانِهَا الْذَّيْنَ آمَدُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يُثْبِتُونَ أَقْدَامَكُمْ". (محمد / 7)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گام‌ها یتان را استوار می کنند) یاریش نمود و به پیروزی رساند و به پاس اخلاصش، او را علم بر افراشته مبارزه با استکبار جهانی قرار داد که چهره‌های سیاسی و مبارز جهان، پایداریش را در برابر استکبار جهانی می ستایند

و او را رهبر همه آزادگان و مبارزان جهان می خوانند. (نخبگان جهان، ص 209؛ و امام و انقلاب در آیینه اندیشه جهان، ص 77، 80 و 81)

منابع و مأخذ:

1 - قرآن کریم

2 - نهج البلاغه

3 - امام خمینی، کتاب البيع، ج 2، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول 1379

4 - امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دهم 1379

5 - امام خمینی، "شرح حدیث جنود عقل و جهل"، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1385

6 - امام خمینی، تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چهارم 1378

7 - امام خمینی، آداب الصلاة (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ششم 1378

8 - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، صحیفه امام: مجموعه آثار (دوره بیست و دو جلدی)، تهران ، 1384

9 - اردبیلی، سید عبدالغنى، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج 3 (اسفار)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول 1381

10 - ابن منظور، لسان العرب، ج 13، بيروت، دار الاحياء التراث العربيه ، الاولى 1408

11 - امام و انقلاب در آیینه اندیشه جهان، تهیه و تدوین: سازمان بهزیستی مازندران ، قم ، دار

- 12 - ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه ابن خلدون ج 1، مترجم: محمد پروین گنا با دی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، هشتم 1375
- 13 - اسکندری، محمدحسین ، مستضعفین و مستکبرین از دیدگاه قرآن و عترت ، مجله نور علم ، شماره 33 1410 ق و شماره 34 اسفند 1368 ،
- 14 - دهخدا، علی اکبر، لغتname دهخدا، ج 2 ، تهران، دانشگاه تهران، دوره جدید، اول 1378
- 15 - سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، اسلام، نوزدهم 1377
- 16 - خاتمی، سید محمد، مطبوعات ایران 1343 - 1353 ، تالیف، بزرین، مسعود، تهران، بهجت، 1354
- 17 - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتاب اسلامیه، دوازدهم 1386
- 18 - مقدس، علی اصغر، مستکبرین و مستضعفین از دیدگاه امام خمینی، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی ج 2، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول 1377
- 19 - جعفری، سید اصغر، نقش امام در مبارزه با استکبار، نگاهی به سومین سمینار اندیشه های دفاعی امام خمینی ج 1، تهران، دفاع، اول 1378
- 20 - خامنه ای، سید علی ، چهار سال با مردم، تهران، حزب جمهوری اسلامی، بی تا
- 21 - فیض کاشانی، ملا محسن، محجة البيضاء، ج 6، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اثانیه، بی تا
- 22 - غزالی، محمد، احیاء العلوم الدین ج 3، بیروت، دارالله‌ادی، الاولی 1412ق
- 23 - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری ج 15 (فلسفه تاریخ در قرآن)، تهران، صدر، سوم 1386

منبع: نشریه حضور، ش37، به نقل از پرتابل امام خمینی